

از رشک محرم کبر بای تو
از بس محرم راه روان موج مینم
در نوبهار غم ریاض خرم تو
ای تو چشم صفت وی عین مودی
بهر طواف کوی تو ام مردمان چشم
اقبال دولت تو بهر جا که نیک کرد
از بس وفا کشور عهد تو شایعیت
با دم و موت تو پیشی که بگذرد
از مشهد تو بس که زمین شد رفیع قدر
تا بهمت تو بخشش روزی بجا کرد
با وارث الخدیفه با هادی الامم
صد گونه عص دارم و فرما اجازت
از قیصر یغیبار ریاض قبول تو
زین پیشه که تیره کی غنیمت بنود
لبزید اشم قبح از باده امید
پیدا بنود زنده دلی بهیج من که بود
نما که گشت نقش سودا حیات سوز
چون ز کسل زد وی سرم مغز پسته
رنک فایتم بدل از فرزند عمدا

پوشه حرم زاطلس بخت سید
نقش جبین براه تو چون موج بود
بهر صدای حنده کل ناله دریا
مژگانگر دیده من کرده استخا
از بنوس کرده مهیاسی عصا
شد بخت سبزه و سینه ابروی مشکا
با دجفا بجا طر حوبان سنود وفا
کرد و چون برق نکلارین کف کباب
کردون باب کوهر کاش کند نشنا
از رشک اب گشت جو کرد با سباب
با قدوة الائمة و با آسن الهسدا
از رشک بموص کرمت رنک مدعا
بسیو اهداب رنک اجابت کل دعا
حاک وطن بیده من بود تو دنیا
عیشم بکام بود و سپهرم بکده
از اب روی جویش مرا جشنه بجا
شد موی من عژه دره فنا
چشمک بنو بهار چون ذذ که حوشت
مانند عکس را بسینه گشتم وطن جلا

کردم

کردم ز اشتیاق محش پوشی درت
از بس شدم بطوف درت کرم مدن
من یک پسند کشش جبهتم دشت آنتت
تا که بود بجلت عصیان ولم اسیر
مانند ذوالفقار و گوگنت فایتم
دارد و وس ملت از راز فاطمه
از رشک تلخ کاسه زهر است جرم من
ایوان دل ذراع حرم من نقش است
زینت و هم عبادت خود را بدر رشک
حاک من از بخت با تو بس از وفات
رنک ز هم بهار گل جعفری شد است
از اشتیاق موسی کاظم بسینه ام
یارب جنان مبارکه جای دگر دلم
دور لب که خیال نقی کانه سرم
از صفل جمال نقی بدر پیمثال
بیجا ز چون شود دم از یا و عسکری
بستم بجا بوردن طفل دو حرا
از امت شما بود اینست اللام
بجاده ام غزیم وردی دلی که نیت

بهر این حجر بر وطن را به بر قب
کردید شعله رنک خایم بزیر پای
ای ملیحای کوی نو اور دم التجا
از بهمت انمه معصوم ده شفا
بهر این سر زهر جو بورد لا فت
ام الکتاب دین و دل زبده انشا
دایم با تم حسن الحسن الهسدا
سجرف سواد اش بر دواز حاک کز
ش بد کند پر که زین العباد و جا
کرد چشم هوتی با ز نههار نوتیا
از بهر صادق ان کشف صبح ابتلا
اش نشان جو شعله طلوت داغها
جو در از مشهد نو برفق و بهر
جو مغز معرفت بود و حالی از هوا
ابینه خانه دل خود داده ام جلا
چشم جواب شکر موت استنا
اخر بر اه مقدم مهدی کنم فدا
دانید و خوه پوش خودم با ولی ابوا
روی بهیج باب مرا حذر در شما